

سوال

بوسیدن دست انسان صالح و خم شدن برای او چه حکمی دارد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

«جمهور علما بوسیدن دست را مکروه دانسته‌اند به ویژه اگر عادت باشد، اما اگر برخی اوقات در برخی دیدارها چنین کند اشکالی ندارد اگر شخص مقابل انسان صالحی باشد؛ یعنی برای امیر صالح یا پدر یا مانند آن اشکالی ندارد، اما اگر عادت شود مکروه است.

برخی از علما نیز آن را در صورتی که عادت همیشگی به هنگام دیدار باشد، حرام دانسته‌اند اما انجام آن در برخی اوقات اشکالی ندارد.

اما سجده بر روی دست، به این شکل که پیشانی خود را بر دست شخص بگذارد، این کار حرام است و علما آن را سجده کوچک نامیده‌اند. این کار جایز نیست که پیشانی خود را بر دست انسان بگذارد اما بوسیدن دست اگر عادت نباشد و بلکه به شکل نادر یا کم آن را انجام دهد اشکالی ندارد، زیرا از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نقل شده که برخی از صحابه دست و پای ایشان را بوسیده‌اند، بنابراین اگر این کار کم انجام شود مسئله آسانی است، اما اگر همیشگی باشد مکروه یا حرام است.

اما خم شدن برای انسان دیگر جایز نیست، یعنی همانند رکوع، این جایز نیست؛ زیرا رکوع عبادت است و جایز نیست که [برای دیگران] خم شود، اما اگر این خم شدن برای بزرگداشت نباشد بلکه به سبب کوتاه بودن قد فرد مقابل باشد و شخص قد بلند برای دست دادن با شخص مقابل مجبور به خم شدن شود نه برای بزرگداشت بلکه به سبب کوتاهی قد طرف مقابل یا آنکه شخص مقابل معلول باشد یا نشسته باشد این کار اشکالی ندارد، اما اگر برای بزرگداشت خم شود این جایز نیست و ترس آن می‌رود که اگر در دل قصد بزرگداشت داشته باشد کارش از جمله شرک باشد.

از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت شده که از ایشان پرسیدند: ای رسول الله، هرگاه با شخص دیدار می‌کنم آیا برایش خم شوم؟ فرمود: نه گفت: آیا او را در آغوش بکشم و ببوسم؟ فرمود: نه گفت: دستش را بگیرم و با او مصافحه کنم؟ فرمود:

آری. اگرچه در سند این حدیث ضعف است اما شایسته است به آن عمل شود زیرا شواهد این حدیث بسیار است و معنای آن دارای شواهد است و ادله بسیاری دال بر این است که خم شدن و رکوع برای دیگران جایز نیست.

نتیجه آن که خم شدن برای هیچکس - پادشاهان یا دیگران - به هیچ عنوان جایز نیست، اما اگر خم شدن به قصد بزرگداشت نباشد، بلکه به سبب قد کوتاه شخص مقابل یا ناتوانی او از برخاستن، یا نشسته بودن او برای سلام گفتن با او خم شود این کار اشکالی ندارد».

شیخ عبدالعزیز بن باز رحمه الله

(فتاوی نور علی الدرب: ۱ / ۴۹۱ - ۴۹۲)